

یکسان سازی نرخ ارز، تحول واقعی در اقتصاد

یکسان سازی نرخ ارز با هدف سرو سامان دادن به وضعیت ارز ممانعت از خروج فعالان اقتصادی و کسانی که با ارز سر و کار دارند و جلوگیری از سردرگمی ناشی از چند نرخ بودنی بودن ارز در به کارگیری مبادلات ارزی، از اهمیت بسیار زیادی در رشد و توسعه اقتصادی کشور برخوردار است.

با یکسان سازی نرخ ارز تولید کنندگان و صادر کنندگان می توانند با برنامه ریزی و انسجام بیشتری به فعالیتهای خود ادامه دهند. این امر می تواند یک انقلاب در حوزه ارزی کشور محسوب شود و دست دلان، سودجویان و افرادی را که به دنبال آشفته کردن بازار ارز هستند کوتاه کند. تک نرخ شدن نرخ ارز علاوه بر مزایای بسیار، معایبی هم دارد که نیازمند حمایت افراد در این شرایط از سوی دولت است. افرادی مانند بیماران خاص، دانشجویان و پژوهشگرانی که نیازمند ارز هستند باید مورد حمایت دولت قرار گیرند که می توان از طریق در اختیار قراردادن یارانه ارزی این مسئله را ساماندهی و حل کرد. نرخ که برای ارز در نظر گرفته می شود باید میانگین نرخ ارز دولتی و بازار آزاد باشد؛ نرخ که بتوان در آینده آن را کنترل کرد و در صورت نیاز به کاهش مجدد و یا افزایش آن، به راحتی این کار را انجام داد.

پیش نیاز های یکسان سازی نرخ ارز

در کنار تأمین منابع ارزی، استقرار روابط کارگزاری و بانکی بین المللی از مهمترین پیش نیازهای اجرای صحیح یکسان سازی ارز است. تعیین نحوه تأمین تفاوت ریالی نرخ ارز برای پرداختهای آتی، تنظیم سیاستهای پولی و مالی از طریق اتخاذ سیاست پولی انقباضی، کاهش تورم، انضباط مالی دولت و کاهش کسری بودجه را می توان از دیگر مقدمات اجرای صحیح طرح یکسان سازی نرخ ارز دانست. با توجه به رژیم های ارزی ثابت - چند نرخ و شناور، در ایران رژیم نرخ شناور مدیریت شده استفاده می شود که در آن مقامات پولی با دخالت در بازار و مدیریت آن سعی دارند با کنترل عرضه و تقاضا، نرخ ارز را به سطوح مورد نظر هدایت کنند.

اطلاع از وضعیت تحولات اقتصادی و سیاسی و درک صحیح انتظارات جامعه را باید پیش نیاز سیاستگذاری ارزی دانست و لازم است سیاستگذار برآورد دقیقی از میزان ذخیره ارزی بانک مرکزی، دولت، بانکهای تجاری و بنگاههای اقتصادی داشته باشد. یکی از مهمترین ویژگی شرایط قبل از تک نرخ شدن ارز، ثبات در اقتصاد کشور و رسیدن نرخ تورم به سطح ایده ال است. هر اندازه تورم در کشور بالاتر و فاصله بیشتری با نرخ تورم در کشور شرکای تجاری ما داشته باشد، به نوسان، بی ثباتی و ناپایداری نرخ ارز دامن می زند.

یکی دیگر از نیازهای تک نرخ شدن ارز، تنظیم ارتباطات بین المللی شبکه کارگزاری نظام بانکی است. در این معنا، یکسان سازی نرخ ارز در شرایط ثبات اقتصادی یعنی مادامی که شوک وجود نداشته باشد و یا شوکهای اقتصادی قابل پیش بینی و کنترل باشد، امکان پذیر است.

تاریخچه یکسان سازی نرخ ارز

در سال ۱۳۷۲ برنامه یکسان سازی نرخ ارز برای اولین بار به اجرا در آمد و ارزش هر دلار از ۷۰ ریال به ۱۷۵۰ ریال افزایش یافت، اما این سیاست بیش از چند ماه دوام نیافت و اقتصاد کشور به نظام چند نرخ بازگشت. از اواخر دهه ۷۰ اصلاح سیاست های ارزی و تجاری کشور با هدف تسهیل تجارت، مقررات زدایی از بخش خارجی اقتصاد و یکسان سازی نرخ ارز آغاز شد و به دنبال بسته سازی های مناسب در سالهای قبل، برای بار دوم برنامه یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ با هدف :

الف) بدهی دولت به بانک مرکزی در سال ۱۳۸۱ و سالهای بعد افزایش نیابد،

ب) نرخ کالاهای اساسی و خدماتی که ارز آنها با نرخ دولتی تأمین شده است افزایش نیابد،

ج) تعادل بودجه دولت را در هزینه ها و درآمدها حفظ کند،

د) سیاستهایی را اتخاذ کند که تولید ملی و صادرات غیر نفتی را افزایش دهد آغاز شد.

با افزایش نرخ ارز بازار آزاد در سال ۱۳۹۱ به دلیل عدم انضباط مالی و بودجه ای توسط دولت، کم اثر کردن نقش بانک مرکزی به عنوان سیاستگذار پولی و ارزی در اقتصاد کشور به همراه تشدید تحریم های بین المللی، روند افزایش نرخ ارز در بازار آزاد ادامه یافت.

تعدیل انتظارات مردم و خروج بخش عمده تقاضای سفته بازی از بازار ارز و همچنین برقراری انضباط پولی و اصلاح مقررات موجب کاهش ریسک سرمایه گذاری شده و منابع به سمت فعالیتهای تولیدی سوق داده خواهد شد.

در یکسان سازی نرخ ارز اگر بخواهیم بین چند نرخ، نرخى را تعيين كنيم، بايد مشخص شود آيا نرخ دولتي به سمت نرخ آزاد برود يا قيمت نرخ آزاد کاهش پيدا كند و نرخ دولتي حاكم شود؟ چنانچه دولت با هدف نظارت در بازار ارز و اينكه اين بازار را در اختيار خود داشته باشد، آن هم به دليل اينكه عرضه كننده عمده خود دولت است، بايد نرخ بازار آزاد را به سمت نرخ دولتي سوق دهد كه در اين مهم دو موضوع مطرح مى شود: يكي اينكه ارز بايد به موقع و به اندازه در اختيار متقاضيان قرار گيرد. به عبارتي ديگر، توانايي دولت در بحث به اندازه و به موقع عرضه كردن ارز مى تواند منجر به يكسان سازى نرخ ارز شود و فاصله هاى بين نرخ ارز آزاد و ارز دولتي کاهش يابد تا اينكه در نهايت به نرخى رسيده شود كه افراد نسبت به قيمت آن بى تفاوت باشند.

براي يكسان سازى نرخ ارز دسترسى مجموعه دولت و بانک مركزى به منابع ارزى اهميت فراوانى دارد. منابع ارزى چه به صورت نقد يا به صورت استفاده از ذخايرى كه در اختيار دولت قرار دارد، اهميت پيدا مى كند. وقتى بحث يكسان كردن نرخ ارز را داريم، يعنى نزديك كردن نرخ ارز آزاد به نرخ ارز مبادله ها. بحث ديگر ثابت نگه داشتن نرخ ارز يعنى جلوگيرى از نوسانات ارز است. مهمترين عاملى كه سبب مى شود نرخ ارز آزاد و مبادله به هم نزديك شوند، اين است كه قيمت نرخ ارز چه از طريق بازار آزاد و چه از طريق اتاق مبادلات ارزى يكسان باشند؛ يعنى سهولت دسترسى به ارز براى متقاضيان فراهم شود. اين زمانى ميسر است كه منابع ارزى در اختيار دولت وجود داشته باشد، اما از آنجا كه عمده منابع ارزى، از طريق نفت تأمين مى شود و دولت عرضه كننده كليدى و اساسى است، مى تواند بازار ارز را كنترل كند. بنابراين ميزان منابع و ذخاير ارزى بسيار تعيين كننده است. از آنجاكه اقتصاد در حال حاضر در شرايط ركودى به سر مى برد، تقاضا براى ارز كمتر از زمانى است كه اقتصاد در حالت عادى و ثبات قرار دارد. براين اساس در آينده بايد دو مبحث را در نظر بگيريم: يك اينكه خروج از ركود و احياى فعاليتهاى اقتصادى چقدر ميزان تقاضا براى ارز را در اقتصاد بالا مى برد. دوم اينكه منابع ارزى تحت اختيار دولت چگونه افزايش پيدا مى كند تا بتواند پاسخگوى تقاضاى ميزان ارز باشد. اگر تقاضا افزايش يابد اما منابع ارزى تحت اختيار دولت افزايش پيدا نكند، در اين حالت بعيد به نظر مى رسد در آينده شاهد نزديك شدن اين دو نرخ ارز با هم باشيم.